

جعل و تحریف در اخبار سبب نزول سوره تحریم

عبدالهادی فقهی زاده*
محمد برزگر**

چکیده:

نقد و بررسی اخبار و احادیث و کشف جعل یا تحریف در میان آنها، از مسائل علم حدیث و به تبع آن، همین مسئله درباره اخبار و روایات سبب نزول آیات و سوره‌ها از مباحث علم تفسیر است. اخبار سبب نزول سوره تحریم از این زاویه، دارای اهمیتی ویژه است؛ زیرا از یک سو ظواهر و سیاق آیات سوره، خبر از توطئه‌ای بزرگ توسط برخی همسران پیامبر اکرم ﷺ علیه رسالت ایشان می‌دهد؛ از سوی دیگر، اخبار سبب نزول، مسئله را در حد یک حسادت زنانه میان همسران پیامبر اکرم ﷺ تنزل داده‌اند. در این مقاله، ابتدا اخبار سبب نزول سوره از منابع و تفاسیر شیعه و اهل سنت، جمع‌آوری و دسته‌بندی شده و آنگاه با نشان دادن اضطراب متن و تعارض‌های این اخبار با یکدیگر و سپس تبیین موارد مخالفت آن‌ها با ظواهر و سیاق آیات سوره، دیدگاه جعلی بودن یا تحریف در این اخبار را تقویت کرده است. در پایان مقاله، خطوط کلی سبب نزول سوره، برگرفته از تحلیل ظواهر و سیاق آیات بیان شده تا روشن شود چگونه این اخبار، برای مخدوش کردن پیام محوری سوره، جعل یا لااقل برای پنهان کردن گوشه‌هایی از حقیقت، تحریف شده‌اند.

◀ **کلیدواژه‌ها:** اسباب نزول قرآن، سوره تحریم، جعل و تحریف، ظواهر آیات، سیاق آیات.

* استاد دانشگاه تهران / faghhizad@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه مذاهب اسلامی، نویسنده مسئول /

mohammadbarzegar@gmail.com

بیان مسئله

از آغاز دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جهت گسترش توحید و عدالت، عده‌ای به انحاء گوناگون برای خاموش کردن نور الهی کوشش کردند. پس از گسترش دین الهی، آنان به ابزار فرهنگی روی آورده و بهترین راه مبارزه با دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را تحریف حقایق آن دانستند. در این راستا، منابع اصیل دینی موردهجمه قرار گرفت و جعل و تحریف درخصوص آن‌ها ظهور کرد. از آنجاکه اصل قرآن و الفاظ وحیانی آن قابل دست‌کاری و جابه‌جایی نبود، مخالفان به جعل و تحریف روایات پرداختند؛ این توطئه از دوران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، آغاز شد و ایشان در زمان حیات خود، این خطر را اعلام کردند. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۲-۶۴) اهل بیت علیهم السلام نیز در مواردی با یادآوری این هشدار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، بطنان برخی روایات منقوله را نشان دادند. (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۴۶-۴۴۹) طبعاً در این میان، مسائل روایات مرتبط با قرآن نیز از آسیب جعل و تحریف دور نماند. (نک: عسکری، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۱۹۴-۱۹۵؛ عاملی، ۱۳۷۱ش، ص ۳۷-۳۸؛ ناصحیان، ۱۳۸۹ش، ص ۱۵-۱۶) چنان‌که برای مثال روایات اسباب نزول، بعضاً رنگ و بوی ضعف، ارسال، جعل و تزویر را به خود گرفت. (معرفت، ۱۳۹۰ش، ج ۱، ص ۲۵۳) اخبار سبب نزول سوره تحریم از جمله این موارد است. در این سوره به افشای توطئه‌ای خطرناک که دامنه آن می‌تواند اجتماع مسلمانان و آینده امت اسلام را تهدید کند، پرداخته شده است. (نک: بلاغی، ۱۳۸۶ش، ج ۷، ص ۴۲-۴۷؛ عسکری، ۱۳۹۰ش، ص ۲۳-۳۴؛ میرباقری، ۱۳۹۰ش، ص ۱۸۶-۱۹۲) اخبار سبب نزول این سوره علی‌رغم اشکالات درونی، اضطراب در متن و اختلافات با یکدیگر و تعارضات با ظواهر آیات سوره، در تفاسیر شیعه و اهل سنت، تلقی به قبول شده و هر مفسری مطابق با گرایش خود، گوشه‌ای از آن‌ها را انتخاب کرده است؛ با این‌همه، گروهی از مفسران و محققان با تردید به این اخبار نگریسته و هیچ‌کدام از این اخبار را نپذیرفته (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۳۳۷-۳۴۰) یا برخی از این اخبار را مجعول و محرّف دانسته‌اند. (بلاغی، ۱۳۸۶ش، ج ۷، ص ۵۰)

۱. مفهوم جعل و تحریف در اخبار سبب نزول

جعل در روایات اسباب نزول، عبارت است از نسبت دادن آیه یا آیتی از قرآن کریم به

شخص یا جریانی که نقشی در نزول آن نداشته‌اند و به تعبیر دیگر، ایجاد ارتباط بین آیات و جریان‌ها یا اشخاصی که هیچ پیوندی بین آن‌ها نبوده است؛ چنان‌که تحریف در اسباب نزول، گونه‌ای تغییر و ایجاد دگرگونی درباره‌ی واقعه یا شخصی است که منشأ نزول آیه‌ای از آیات قرار گرفته است؛ حال فرقی نمی‌کند که این تبدیل و دگرگونی، در نفس حادثه باشد یا در جوانب مربوط به آن. برای مثال، ممکن است برخی از کلمات روشن و پیام دار از متن روایتی حذف شود و واژه‌ی مجمل و مبهم به جای آن گذاشته شود، تا نتایج بایسته از روایت دریافت نگردد. (صدر و ربانی، ۱۳۷۴ش، ص ۸۰)

۲. شیوه صحیح مواجهه با اخبار سبب نزول

هرچند اخبار سبب نزول می‌توانند شارح جزئیات و بیان‌کننده‌ی مصادیق آیات سوره‌های قرآن باشند، اما این در صورتی است که این اخبار، با ظواهر و سیاق آیات سوره مخالفتی نداشته باشند. بیشتر مفسران با آنکه گاه در مقام نظر به آنچه بیان شد گرایش دارند، اما معمولاً در مقام عمل بدین شیوه پای‌بند نبوده؛ از این رو در آیات مورد بحث نیز به همین طریق عمل کرده‌اند. (نک: قمی، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۳۷۶؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۸، ص ۱۰۱-۱۰۳؛ طوسی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۴۴-۴۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰، ص ۴۷۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۵۶۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۲۳۹-۲۴۱)؛ ریشه‌های این نگاه را باید در مصنفات اولیه‌ی اسباب نزول پی‌گیری کرد؛ آنجا که تفسیر آیات قرآن و کشف مقصود آن‌ها را بدون دانستن قصه سبب نزول آن غیرممکن می‌داند. (واحدی، ۱۳۸۸ق، ۱۰)

علامه طباطبایی از معدود مفسرانی است که هم در مقام نظر و هم تا حد زیادی در مقام عمل به آنچه بیان شد، پای‌بند است و درباره‌ی آیات این سوره و سبب نزول آن نیز چنین عمل کرده است. علامه طباطبایی معتقد است که قرآن کریم در بیان مقاصد خود که معارفی جهانی و جاودانه است، نیازی به روایات اسباب نزول ندارد (طباطبایی، ۱۳۵۳ش، ص ۱۷۶) و خطوط کلی سبب نزول (نه مصادیق و جزئیات آن) را می‌توان از مجموع ظواهر آیات سوره‌ها و سیاق آن‌ها به دست آورد؛ و اخبار سبب نزول بعد از اثبات عدم مغایرت با قرآن و کسب اعتبار، تنها می‌توانند به تفصیل وقایع سبب نزول

قرآن و تعیین مصادیق خاص آیات آن در زمان نزول پردازد نه آنکه بدون این اخبار، مفاهیم آیات حتی با کمک از آیات دیگر درون همان سوره یا سوره‌های دیگر، قابل درک نباشد.

اعتقاد فوق برخاسته از نگاه تفسیری قرآن به قرآن و جایگاه دیگر منابع، در این نوع از تفسیر است. در این روش تفسیری، قرآن در حد ظواهر خود که عهده‌دار خطوط کلی دین است، مستقل و گویا بوده (جوادی، ۱۳۸۱ش، ج ۱، ص ۱۵۴) و فهم پیام قرآن بدون مراجعه به هیچ روایت، گام اول در تفسیر قرآن (همو، ۱۳۸۸ش، ۱۳۱) و به منزله خطوط کلی، اساسنامه و قانون اساسی‌ای است که باید در مسیر معرفت قرآن کریم و روایات در نظر باشد. (همان، ص ۱۲۹) البته بعد از این مرحله و به ارشاد و استناد ظواهر قرآن (همان، ص ۱۳۲)، منابع دیگر به خصوص سنت معصومان علیهم‌السلام، عهده‌دار تبیین جزئیات و تفصیل کلیات شریعت است. (همان، ج ۱، ص ۱۶۰) از این حیث، اسباب نزول نیز گاه به عنوان روایتی از معصوم علیهم‌السلام و گاه به عنوان نقلی تاریخی، بعد از عدم مغایرت با خطوط کلی قرآن و کسب اعتبار، می‌تواند به عنوان منبعی معتبر برای شناخت تفصیلی تر اسباب نزول آیات سوره‌ها، جزئیات واقعه تاریخی آن و تشخیص مصادیق خاص آیات در زمان نزول و آگاهی دقیق‌تر از وقایع صدر اسلام، مورد بررسی قرار گیرد.

از این رو شیوه صحیح برخورد با روایات اسباب نزول مانند مواجهه با حدیث است؛ چراکه حدیث نیز در اعتبار خود به تأیید قرآن کریم نیازمند است و بر این اساس، چنان‌که در اخبار بسیاری از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اهل بیت علیهم‌السلام وارد شده، باید حدیث را به قرآن عرضه کرد. (نک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۹) بنابراین سبب نزولی که در ذیل آیه‌ای وارد شده، در صورتی که متواتر یا خبر قطعی الصدور نباشد، باید به آیه مورد بحث عرضه و تنها در صورتی که مضمون آیه و قرآینی که در اطراف آیه موجود است با آن سازگار بود، به سبب نزول نامبرده اعتماد شود و بالاخره روایت را باید با آیه و سیاق آن تأیید نمود و تصدیق کرد نه اینکه آیه را تحت حکومت روایت قرار داد. به این ترتیب، اگرچه مقدار زیادی از اسباب نزول سقوط می‌کند، آنچه از آن‌ها می‌ماند، معتبر شده (طباطبایی، ۱۳۵۳ش، ص ۱۷۶) و از این رو می‌تواند شارح جزئیات حقایق

تاریخی قرآن قرار گیرد.

در عین حال، باید توجه داشت که عرضه اخبار سبب نزول بر قرآن نه صرفاً یک امر پسندیده است، بلکه به عنوان امری ضروری باید مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا بسیاری از اخبار سبب نزول به دلیل تناقضات فراوان، نقل به معنا و شیوع جعل و دسّ و به خصوص دخول اسرائیلیات، غیر قابل اعتماد بوده (طباطبایی، ۱۳۵۳ش، ص ۱۷۳-۱۷۵) و رنگ و بوی ضعف، ارسال، جعل و تزویر را به خود گرفته‌اند. (معرفت، ۱۳۹۰ش، ج ۱، ص ۲۵۳) علاوه بر آن، اختلافات مذاهب دینی در لحن این اخبار اثرگذار بوده و اوضاع سیاسی که در هر زمانی حاکم بوده، اثری جدی در اخفای اصل حقایق و ماندن آن‌ها در هاله‌ای از ابهام داشته است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۲۳۵) از سوی دیگر، تعداد زیادی از این اخبار نه مشافهه فرد ناقل، بلکه اجتهادات شخصی وی بوده‌اند (همو، ۱۳۵۳ش، ص ۱۷۳) و در واقع بسیاری از اخبار سبب نزول متعلق به کسانی است که خود شاهد نزول وحی نبوده (نکونام، ۱۳۸۸ش، ص ۱۵۱) و بنابر نظریه شخصی خویش، آیات قرآن را به رخدادهایی که قبل یا بعد نزول آیه رخ داده، تطبیق کرده و آن را به حساب سبب نزول آن آیه به حساب می‌آوردند. (جوادی، ۱۳۸۱ش، ج ۱۳، ص ۵۳۸)

۳. اخبار سبب نزول سوره تحریم

چنان‌که از آیات سوره تحریم مشخص است، این سوره و به‌ویژه آیات ابتدایی آن از ماجرای در خانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سخن می‌گوید که یک سوی آن رازگویی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با یکی از همسران و سپس افشای راز از سوی آن زن (تحریم: ۳) و طرف دیگر آن سوگند بر تحریم یک حلال بر خویشان از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است. (تحریم: ۱-۳). منابع روایی و تفسیری فریقین درباره سبب نزول این سوره، اخبار پراکنده و متفاوتی را نقل کرده‌اند. با توجه به این نقل‌ها، اخبار سبب نزول سوره تحریم را می‌توان به سه دسته کلی به شرح ذیل تقسیم کرد:

دسته اول: رسول اکرم صلی الله علیه و آله در منزل زینب دختر جحش بیشتر توقف می‌کرد؛ زیرا زینب شربت عسلی را که تهیه کرده بود به آن حضرت می‌نوشانید؛ از این رو عایشه با حفصه قرار می‌گذارند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله به منزل هر یک از ما که داخل شود بگوییم: از

دهان شما بوی مغفیر^۱ می‌آید، مگر از آن خورده‌اید؟! آن زنان چنین کردند و پیامبر اکرم ﷺ نیز فرمودند که دیگر هرگز از آن نخوادم خورد. آنگاه پیامبر اکرم ﷺ از عایشه می‌خواهند که این تحریم را مانند سرّی پیش خود امانت نگه دارد؛ اما عایشه سرّ را فاش می‌کند. این داستان گاه به همین صورت و گاه با تفاوت در افراد و تعبیرها در منابع فریقین آمده است. (نک: بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۶، ص ۱۶۷؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۸، ص ۱۰۳؛ طوسی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۴۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰، ص ۴۷۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۵۶۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۲۳۹)

دسته دوم: رسول اکرم ﷺ در روز نوبت حفصه در خانه او بود و ماریه قبطیه به وی خدمت می‌کرد. حفصه به حاجتی از خانه خود بیرون رفت و در این اثنا رسول اکرم ﷺ با ماریه هم‌خوابه شد، و چون حفصه از این ماجرا آگاهی پیدا کرد، خشمناک شد و نزد رسول اکرم ﷺ رفت و گفت: یا رسول الله، در روز من و در خانه من و بر بستر من، چنین کردی؟ حضرت ﷺ از حرف‌های آن زن، احساس شرمندگی کرد و گفت: بس کن؛ من ماریه را بر خود حرام کردم و پس از این، دیگر هرگز با او نزدیکی نخواهم کرد. پیامبر اکرم ﷺ از حفصه می‌خواهد که این تحریم را مانند سرّی پیش خود امانت نگه دارد؛ اما حفصه سرّ را فاش می‌کند. این داستان گاه به همین صورت و گاه با تفاوت در افراد و تعبیرها در تفاسیر فریقین آمده است. (نک: قمی، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۳۷۶؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۸، ص ۱۰۱-۱۰۳؛ طوسی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۴۴-۴۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰، ص ۴۷۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۵۶۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۲۳۹-۲۴۱)

دسته سوم: تفاوت دسته سوم با دسته دوم در این است که پیامبر اکرم ﷺ بعد از تحریم ماریه بر خود، حفصه را به خلافت ابوبکر و عمر بعد از خود خبر داد و از او خواست این سرّ را افشا نکند؛ اما حفصه آن را فاش کرد. (نک: قمی، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۳۷۶؛ طوسی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۴۶-۴۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰، ص ۴۷۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۵۶۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۲۴۰-۲۴۱) شایان ذکر است که در برخی از این نوع اخبار سبب نزول، برای ماجرا ادامه‌ای نیز بدین صورت نقل شده است: بعد از آنکه حفصه این سرّ را برای عایشه فاش کرد، عایشه نیز آن را برای

پدرش ابوبکر بیان کرد؛ در این هنگام ابوبکر بلافاصله پیش عمر آمده و گفت: عایشه از قول حفصه چنین خبری به من داده ولی من به قول عایشه اطمینان ندارم، ای عمر برو از دخترت این خبر را سؤال کن که اگر راست بود، مقدمات آن را از حال فراهم کنیم. عمر از حفصه دخترش سؤال کرد، حفصه اولاً انکار کرد پس از اصرار گفت: بلی پیامبر اکرم ﷺ این سخن را فرمود. ابوبکر و عمر با هم شور و مشورت کردند و تصمیم گرفتند که پیغمبر را مسموم کنند، پس جبرئیل این سوره را بر پیامبر اکرم ﷺ نازل کرد. (قمی، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۳۷۶؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲، ص ۲۴۶) در این میان، شیخ مفید نیز در برخی بحث‌های کلامی خود، بدون اشاره به ارتباط این بحث با بحث آیات قبل و بدون ذکر سند و فقط با این عبارت که «در احادیث شیعه آمده است»، از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن سرّ، خلافت امیرالمؤمنین علی علیه السلام بعد از پیامبر اکرم ﷺ بوده است. (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۷۷)

۴. اهمّ اشکالات اخبار سبب نزول سوره تحریم

با صرف نظر از ملاحظه‌های سندی، دو اشکال عمده در این اخبار وجود دارد که اعتماد خواننده محقق را به این اخبار بسیار کم کرده و حتی احتمال جعل کامل یا جزئی و حتی شاید جعل مجموعی^۲ را در این آثار بالا می‌برد. آن دو اشکال عمده عبارت‌اند از:

۱. اضطراب متن و تعارض‌های درونی؛ ۲. مخالفت با ظواهر و سیاق آیات سوره

۴-۱. اضطراب متن و تعارض‌های درونی

با دقت نظر در مفاد اخبار سبب نزول سوره، اضطراب متن این اخبار و تعارض‌های آن‌ها با یکدیگر، بروز پیدا می‌کند. این اخبار حداقل در شش جهت با یکدیگر اختلاف و تعارض دارند؛ جهات شش‌گانه تعارض عبارت‌اند از:

۱. این اخبار در حلالی که پیامبر اکرم ﷺ بر خود حرام کرد، اتفاق نظر ندارند: برخی آن را هم‌بستر شدن با ماریه می‌دانند (اخبار دسته دوم) و برخی خوردن شربت عسل (اخبار دسته اول).

۲. اخباری که ماجرا را خوردن شربت عسل می‌دانند، در اینکه پیامبر اکرم ﷺ آن عسل را در خانه کدامیک از همسرانش خورده است، هم‌داستان نیستند. برخی آن را زینب بنت جحش می‌دانند؛ برخی سوده، عده‌ای ام سلمه و در نهایت بعضی حفصه.

(نک: طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰، ص ۴۷۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۲۳۹)

۳. این اخبار گاه هم دست عایشه در توطئه‌چینی علیه همسر دیگر پیامبر اکرم ﷺ را حفصه می‌دانند و گاه برخی همسران را هم دست عایشه بر علیه حفصه! (نک: طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰، ص ۴۷۲)

۴. اخباری که ماجرای سوره را تحریم ماریه می‌دانند، گاه افشاکننده سر را حفصه می‌دانند و گاه عایشه. (نک: سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۲۴۱)

۵. این اخبار گاه سر را تنها تحریم ماریه، گاه خبر خلافت ابوبکر و عمر و گاه هر دوی این‌ها می‌دانند. (نک: قمی، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۳۷۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۲۳۹-۲۴۱)

۶. اخباری که سر را بحث خلافت می‌دانند، گاه به‌گونه‌ای بیان شده که گویی خلافت را شایسته ابوبکر و عمر می‌دانند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۵۶۸)، گاه خلافت این دو تن را غاصبانه می‌دانند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲، ص ۲۴۶) و گاهی سر را نه خلافت ابوبکر و عمر بلکه آن راز را خلافت بر حق امیرالمؤمنین علی علیه السلام برمی‌شمارد. (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۷۷)

۲-۴. مخالفت با ظواهر و سیاق آیات سوره

اضطراب متن و تعارض‌های اخبار سبب نزول سوره با یکدیگر، موجب خدشه‌دار شدن اعتماد به این اخبار می‌شود؛ با این‌همه، اگر بنا را بر صحت همه یا برخی از این اخبار بگذاریم، باز هم نمی‌توان آن‌ها را پذیرفت؛ زیرا محتوای این اخبار با مفاد برآمده از ظواهر و سیاق آیات سوره سازگار نیست. رئوس موارد مخالفت اخبار سبب نزول با ظواهر و سیاق آیات سوره عبارت‌اند از:

الف. عدم مطابقت داستان‌های مطرح‌شده با فضا و سیاق کلی سوره: عمده‌ترین اشکال اخبار سبب نزول، عدم مطابقت آن‌ها با فضا و سیاق کلی سوره است؛ چنان‌که در جمع بندی اخبار سبب نزول بیان شد، فضایی که این اخبار ترسیم می‌کنند، حکایت از حسادت زنانه برخی از همسران پیامبر اکرم ﷺ به یکدیگر می‌کند که باعث ناراحتی پیامبر ﷺ شده است؛ اما آنچه از آیات سوره به‌دست می‌آید، نشان از توطئه‌ای خطرناک علیه پیامبر اکرم ﷺ دارد. این مطلب، دلایل فراوانی از سوره دارد که به چهار مورد آن

اشاره می‌شود:

اولاً در آیه چهارم، به آن دو زن حتی در صورت توبه نیز وعده بخشایش را نمی‌دهد؛ بلکه توبه را وظیفه ایشان به خاطر انحراف قلوبشان می‌داند: «إِنْ تَوْبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۳۳۱) و این برخلاف دأب قرآن کریم است که هر جا بحث توبه را مطرح می‌کند، نوید بخشش خدا را می‌دهد مانند آیه هشتم همین سوره؛ و این خود نشان از گناهی بس بزرگ توسط آن دو زن می‌دهد نه فقط یک حسادت زنانه! حتی بنا به نظر برخی، عبارت «فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا» که در جایگاه جواب شرط است، نشان از عدم توبه‌کردن آن دو زن و دست برداشتن آن‌ها از توطئه می‌دهد. (طیب، ۱۳۷۸ش، ج ۱۳، ص ۷۳؛ میرباقری، ۱۳۹۰ش، ص ۱۸۶)

ثانیاً خداوند در طرف مقابل توبه، تبنانی و تظاهر علیه پیامبر اکرم ﷺ را مطرح می‌کند؛ و این یعنی کاری که ایشان باید از آن توبه کنند؛ تبنانی و توطئه علیه پیامبر اکرم ﷺ است: «وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ...» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۳۳۱)

ثالثاً خداوند در پاسخ به توطئه و تبنانی آن دو زن علیه پیامبر اکرم ﷺ و در تأیید و پشتیبانی ایشان، چنان با لشکریان خود وارد صحنه می‌شود که در هیچ جای قرآن، چنین پشتیبانی‌ای سابقه ندارد: «وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ» و این خود، بهترین نشان بر این است که ماجرای این سوره، یک امر ساده و یک خبط زنانه نبوده، بلکه توطئه‌ای خطرناک علیه پیامبر گرامی اسلام ﷺ بوده است. (نک: عسکری، ۱۳۹۰ش، ص ۲۶-۳۰)

رابعاً در ادامه سوره و در آیه دهم، در بیان تمثیل دو همسر خیانتکار پیامبر اکرم ﷺ، مثال دو زن خائن و کافر دو پیامبر الهی - نوح عليه السلام و لوط عليه السلام - را می‌زند که خدا به ایشان فرمان دخول در آتش را داده است. (همان‌جا؛ میرباقری، ۱۳۹۰ش، ص ۱۹۲) قطعاً مقایسه آن دو زن پیامبر اکرم ﷺ به صرف یک حسادت زنانه، با دو زن کافر، خائن و جهنمی دو نبی الهی، نمی‌تواند امری عقلایی باشد!

ب. عدم مطابقت ترتیب زمانی وقایع اسباب نزول با چینش زمانی مطرح در سوره: دومین اشکال مهم اخبار سبب نزول آن است که این اخبار ماجرای تحریم را قبل از افشای سر می‌دانند، درحالی‌که از ظواهر سوره به دست می‌آید که ابتدا ماجرای

افشای سرّ رخ داده و آنگاه ماجرای تحریم صورت گرفته است. مستند این مطلب، آن است که آنچه در حال نزول سوره رخ داده، ماجرای تحریم است؛ از این رو، سوره با آن آغاز و با فعل مضارع از آن یاد می‌کند «تُحَرِّمُ»، در حالی که ماجرای افشای سرّ را برای بیان ریشه داستان تحریم و با ظرف زمان گذشته «إِذْ» و فعل ماضی مطرح می‌کند «وَأِذْ أُسِّرَ النَّبِيُّ...».

۵. نقدهای گروهی از محققان به اخبار سبب نزول سوره تحریم

غالب مفسران علی‌رغم اضطراب متن و تعارض‌های روشن این اخبار با یکدیگر و مخالفت‌های آن با ظواهر و سیاق آیات سوره، همه یا برخی از اخبار سبب نزول سوره را تلقی به قبول کرده‌اند. اما در این میان، برخی از مفسران و محققان به گوشه‌ای از اشکال‌هایی که بیان شد، اشاره کرده‌اند.

علامه طباطبایی در *المیزان*، با عرضه اخبار سبب نزول سوره بر ظواهر آیات آن، به اشکالات هر دسته از این اخبار اشاره کرده و هیچ‌کدام از این اخبار را قابل اعتماد نمی‌داند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۳۳۷-۳۴۰) ملاحظیه از مفسران اهل سنت، با اشاره به گوشه‌ای از موارد تعارض این اخبار، آن‌ها را دارای تضارب، اختلاف و اضطراب دانسته و از این رو، آن‌ها را موضوع یا محرّف برمی‌شمارد و فقط به یک نقل خاص از روایت دسته اول، به‌خاطر نقل آن در صحیحین اعتماد می‌کند. (ملاحظیه، ۱۳۸۲ق، ج ۶، ص ۲۳۱-۲۳۲) برخی محققان نیز با تحقیق جامع درباره تمامی اخبار سبب نزول سوره، محتوای این اخبار را دارای تعارضاتی با آیات سوره و محتوی موارد مخالف عقل سلیم دانسته‌اند و در مجموع هیچ‌کدام از این اخبار پراکنده را شایسته سبب نزول بودن برای سوره ندانسته و صرفاً دلالات کلی این اخبار مبنی بر وجود توطئه‌ای اجتماعی علیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را که در خانه ایشان نیز نفوذ کرده، پذیرفته‌اند. (نک: خامه‌گر و سلمان‌زاده، ۱۳۹۲ش، ص ۹۶-۱۲۰)

اما اشکالات مربوط به مسئله سرّ به‌طور خاص، محققان شیعی را به تکاپو واداشته است؛ به‌ویژه از آن جهت که برخی مفسران اهل سنت در تفسیر خویش با توجه به اخباری که خبر از بشارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حفصه در خصوص خلافت ابوبکر و عمر داده، این امر را مستندی برای حقانیت خلافت ایشان دانسته و از این رو شیعه را که

خود نیز در برخی از مهم‌ترین تفاسیرشان مانند مجمع‌البیان به این اخبار اشاره کرده‌اند، ناچار از پذیرش حقانیت خلافت ابوبکر و عمر می‌دانند. (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴، ص ۳۴۶) براین اساس، یکی از مفسران شیعه بعد از نقل بعضی از اخبار دربارهٔ سرّ آن‌ها را بسیار سبک دانسته و آن‌ها را از بین‌برندهٔ دغدغهٔ خاطر و اقناع‌کننده نمی‌داند و در تفسیر خود هیچ اشاره‌ای به اینکه آن سرّ چه بود، نمی‌کند و علم آن را به خدا واگذار می‌کند. (قرشی، ۱۳۷۷ش، ج ۱۱، ص ۲۳۱-۲۳۲) علامه عسکری با توجه به فضای انذار، سرزنش و تهدید سوره که از ظواهر و سیاق آیات سوره به دست می‌آید، اخبار مبنی بر بشارت خلافت ابوبکر و عمر را تأویل ناروای پیروان مکتب خلفا دانسته و این اخبار را پیش‌گویی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مصیبت‌ها و ظلم‌هایی که بر امت اسلام پیش خواهد آمد، می‌داند و از این رو مجموع آیات این سوره و داستان سبب نزول آن را نشان از آمادگی و توطئهٔ ابوبکر و عمر برای غصب خلافت بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌داند. (نک: عسکری، ۱۳۹۰ش، ص ۲۳-۳۱) در این میان، بعضی از محققان شیعی هم با نقد و بررسی تفصیلی اخبار سبب نزول سوره، محتوای روایات دستهٔ سوم و چهارم را به‌خصوص دربارهٔ مسئلهٔ سرّ، جعل راویان اهل سنت دانسته که حتی به منابع شیعی راه پیدا کرده و از این رو، آن اخبار را ردّ کرده و فقط روایات دستهٔ اول را می‌پذیرد. (نک: حسینی فاطمی، ۱۳۸۵ش، ص ۱۱۳-۱۲۹)

۶. خطوط کلی سبب نزول سوره با تحلیل مفاد آیات آن

آنچه گفتیم نشان می‌دهد احتمال جعل یا تحریف اخبار سبب نزول سورهٔ تحریم به سبب اضطراب متن و تعارض‌های با یکدیگر و مخالفت‌های عمده با ظواهر و سیاق آیات سوره، دور از واقعیت نیست؛ از این رو این اخبار نمی‌تواند ما را در شناخت سبب نزول سوره کمک کند و حتی ذهن انسان را از جهت‌گیری سوره دور می‌کند. از زاویهٔ تفسیر قرآن به قرآن، افزون بر آنکه روایات اسباب نزول را باید با ظواهر و سیاق آیات نقد و بررسی کرد، حتی می‌توان به خطوط کلی سبب نزول سوره دست یافت. از این رو از دیدگاه علامه طباطبایی، ظواهر قرآن، تعبیر و جزئیات ارائه‌شده در خود آیات و سیاق آن‌ها در ترسیم اسباب نزول اهمیت فراوانی دارند (نفیسی، ۱۳۸۴ش، ص ۱۶۶) و ایشان در مواردی به همین شیوه، سبب نزول اجمالی آیات سوره

را به دست آورده است. (نک: طباطبایی، ۴۱۷ق، ج ۵، ص ۲۴ و ۲۹) بر این مبنا، در این قسمت تلاش این است که با نگاهی تحلیلی به مفادی که از ظواهر و سیاق آیات سوره به دست می آید، خطوط کلی سبب نزول سوره فهمیده شود.

چنان که گفتیم، وقایع مربوط به سوره دو محور اصلی دارد: واقعه افشای سر و ماجرای تحریم حلال. ماجرای تحریم به سبب فعل مضارع آن «تَحْرِمُ» باید بعد از ماجرای افشای سر که از آن با ظرف زمان گذشته «إِذُ» و فعل ماضی یاد می شود «وَإِذُ أَسْرَ النَّبِيِّ»، اتفاق افتاده باشد، لذا بنا بر آیه سوم، ماجرای سوره از آنجا آغاز می شود که پیامبر اکرم ﷺ سرّی را به یکی از همسرانش مطرح کرده و آن زن نیز آن راز را افشا می کند: «وَإِذُ أَسْرَ النَّبِيِّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا تَبَأَتْ بِهِ...» در ادامه، خدای عالم غیب و شهادت، پیامبرش را از این ماجرا مطلع کرده و ایشان نیز برخی از زوایای ماجرا را بازگو می کند: «فَلَمَّا تَبَأَتْ بِهِ وَأُظْهِرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ». از ضمائر مثنای آیه چهارم؛ مانند: «تُتُوبَا»، «قُلُوبِكُمَا» و «تَظَاهَرَا» و اینکه در آیه اول و پنجم سوره، سخن از زنان پیامبر اکرم ﷺ مطرح است، به دست می آید که آن زن، راز را برای یکی دیگر از همسران پیامبر اکرم ﷺ فاش کرده و این کار نیز مقدمه‌ای برای توطئه علیه پیامبر اکرم ﷺ بوده است: «وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ». البته با توجه به ضمائر جمع مؤنث موجود در آیه یک و پنج، مشخص می شود که همسران دیگری علاوه بر این دو نفر نیز یا به گونه‌ای در این ماجرا شرکت داشته‌اند یا لاقبل خطر افتادن در این ورطه را داشته‌اند که در آیه پنج، ایشان را نیز به طلاق تهدید می کند: «عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَنَّ».

طبعاً یکی از مهم‌ترین ابزارهای پیامبر اکرم ﷺ برای مقابله با توطئه این زنان، طلاق ایشان بوده است؛ زیرا همسر پیامبر بودن برای آن‌ها یک جایگاه اجتماعی مهم محسوب شده و از این رو طلاق برای زنان پیامبر اکرم ﷺ تبعات اجتماعی مهمی داشته است. از آیه پنجم سوره که بعد از عتاب شدید آیه چهارم، از احتمال طلاق همسران پرده برمی دارد و در حمایت از پیامبر اکرم ﷺ ایشان را وعده به همسرانی مسلم، مؤمن و فرمان‌بردار در صورت طلاق همسران فعلی اش می دهد، به دست می آید که چنین گزینه‌ای از سوی پیامبر اکرم ﷺ برای رفع توطئه مطرح بوده است. در برخی از اخبار، سبب نزول قرینه‌ای برای این بحث وجود دارد؛ زیرا در این اخبار آمده است که پیامبر

اکرم علیه السلام بعد از نزول سوره، زن افشاکننده راز را طلاق و حدود یک ماه از بقیه زنانش فاصله گرفت، به طوری که شایعه تصمیم آن حضرت درباره طلاق آن‌ها منتشر شد و ایشان سخت به وحشت افتادند. (نک: طبرسی، ج ۱۰، ص ۴۷۲؛ طبری، ج ۲۸، ص ۱۰۵؛ سیوطی، ج ۶، ص ۲۴۲-۲۴۳) با این بیان مشخص می‌شود که حلال موردنظر در آیه یک، چنان‌که برخی مفسران نیز بیان کرده‌اند (بلاغی، ۱۳۸۶ ش، ج ۷، ص ۴۶)، امر طلاق همسران بوده است. تصریح این آیه با عبارت «مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ» علاوه بر تأکید بر حلال بودن این امر، قرینه‌ای است بر اینکه که امر حلال موردنظر، امری مانند طلاق بوده که کاملاً جنبه شخصی دارد؛ زیرا در صورتی که حلال موردنظر امری عمومی بود، باید با تعبیر «مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ» از آن یاد می‌شد، چنان‌که در آیه دوم از امر گشودن سوگند با این تعبیر یاد می‌کند: «قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ».

از آیه دوم سوره به دست می‌آید که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این حلال را با سوگند بر خود حرام کرده است: «قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ». علتی که آیه اول برای این تحریم مطرح می‌کند، رضایت همسران است: «تَبَتَّغِي مَرْضَاةَ أَزْوَاجِكَ». با این مطلب، یک سؤال کلیدی برای فهم ماجرای موردنظر سوره رخ‌نمایی می‌کند و آن اینکه چرا با وجود خیانت و توطئه این همسران، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به جای اینکه ایشان را طلاق دهد، برای کسب رضایتشان، طلاقشان را بر خود حرام کرد؟! پاسخ این سؤال نیز با دقت در آیه چهارم روشن می‌شود. این آیه به دو فرض (۱. توبه زنان از توطئه انجام گرفته؛ ۲. تظاهر و ادامه توطئه)، پاسخ بسیار شدید اللحن داده است: «إِنْ تَوْبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ» و این مشخص می‌کند که ایشان همین دو حالت را پیش روی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرار داده‌اند؛ یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در صورت طلاق، تهدید به ادامه توطئه کرده‌اند و توبه خود را منوط به تحریم طلاق دانسته‌اند. لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از روی کمال بزرگواری و جهت دادن فرصتی دوباره و برای حفظ مصلحت امت اسلامی با سوگند، این حلال الهی را بر خود حرام کردند تا شاید رضایت ایشان را به دست آورده و ایشان را از ادامه توطئه بازدارند. با این بیان، روشن می‌شود که چرا وحی الهی ابتدا در آیه چهارم سوره رو به آن دو زن کرده و با قاطعیت به شروطی که برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تعیین کرده

بودند، پاسخ می‌دهد؛ بدین شرح: اگر شما دو تن توبه کنید، نه تنها هیچ متی بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ندارید و وعده‌ای هم به شما در آموزش گناه عظیمتان نمی‌دهم، بلکه باید بدانید که راهی جز توبه ندارید که قطعاً قلوب شما منحرف شده است: «إِنْ تَوْبَا إِلَيَّ اللَّهُ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا»؛ اما اگر بخواهید توبه نکرده و علیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تبنانی کنید، بدانید که من مولای او هستم و جبرئیل، صالح مؤمنان و همه ملائکه نیز پشتیبان او هستند: «وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيْلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ». از این رو، کارتان به جایی نخواهد رسید و آنگاه در آیه پنجم، به مسئله طلاق ایشان پرداخته و می‌فرماید: اما بدانید اگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تصمیم به طلاق شما بگیرد، نه تنها آسیبی متوجه او نخواهد شد بلکه من که پروردگار او هستم، ازواجی بهتر از شما نصیبش خواهم کرد: «عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَنَّ أَنْ يَنْدِلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِّنْكَ...».

باتوجه به آنچه آمد، سیر داستان سوره را می‌توان چنین بیان کرد: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مطلبی را به صورت سرّ به یکی از همسران خود بیان می‌کند: «وَإِذْ أَسْرَأَ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا»، آن زن سرّ را برای یکی دیگر از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله افشا کرده (فَلَمَّا تَبَأَتْ بِهِ) و مقدمات توطئه‌ای علیه پیامبر صلی الله علیه و آله را فراهم و در این راستا اقداماتی را آغاز می‌کند.

خداوند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را بر تمام اقدامات و توطئه‌های ایشان آگاه کرده (أُظْهِرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ) و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز از یک سو گوشه‌ای از ماجرا را بیان می‌کند: «عَرَفْتُ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَن بَعْضٍ» و از دیگر سو، تصمیم به طلاق همسران خیانتکار خویش برای دفع ریشه فتنه می‌گیرد. آن دو زن، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را تحت فشار قرار داده و توبه خود از این کار را منوط به سوگند خوردن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مبنی بر حرام کردن طلاق ایشان بر خود کرده و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در صورت عدم پذیرش این پیشنهاد، تهدید به ادامه تبنانی و تظاهر می‌کنند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از روی کمال بزرگواری و برای مصلحت امت، پیشنهاد ایشان را می‌پذیرد.

در این هنگام، سوره نازل شده و وحی الهی به مدد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده و همه نقشه‌های ایشان را نقش بر آب می‌کند: خداوند ابتدا پیامبر را به شکستن سوگند خود دعوت کرده (آیه اول و دوم)؛ آنگاه به مؤمنان رو کرده و ایشان را از ماهیت خیانتکار

این دو زن باخبر می‌کند (آیه سوم). وحی الهی سپس رو به آن دو زن کرده و با قاطعیت به شروطی که برای پیامبر اکرم ﷺ تعیین کرده بودند، پاسخ داده (آیه چهارم) و آنگاه ایشان را تهدید به طلاق کرده و وعده همسرانی مؤمن و فرمانبردار را به پیامبر اکرم ﷺ می‌دهد (آیه پنجم).

درضمن، آنچه درباره سرّ از آیات سوره می‌توان فهمید این است که این سرّ، قطعاً امر مهمی بوده که آن همسران خائن با افشای آن، توانسته‌اند دست به توطئه‌ای علیه پیامبر اکرم ﷺ بزنند. اما اینکه به‌طور خاص آن سرّ چه بوده، سوره درباره آن ساکت است؛ جز اینکه شاید آن قسمت از داستان توطئه که پیامبر اکرم ﷺ از اعلان آن به همه مردم خودداری کردند، همین سرّ بوده است. مرحوم شیخ مفید در پاسخ به این سؤال که سرّ در این سوره چه بوده، چنین پاسخ می‌دهد: «اینکه آن سرّ چه بوده، از تکلیف ما ساقط است؛ زیرا قرآن گویای آن است که آن مطلب، سرّ پیامبر اکرم ﷺ با همسرش بوده است و وحی الهی بیان نکرده که آن سرّ بعد از این جریانات، شایع شده است.» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۷۷)

البته از آیه ششم سوره به دست می‌آید که این سرّ و توطئه بعد از افشای آن، به‌گونه‌ای بوده که امکان داشت، مؤمنان و خانواده‌های ایشان در دام آن بیفتند (میرباقری، ۱۳۹۰ش، ص ۱۸۷-۱۸۸) و از آیه هشتم سوره فهمیده می‌شود که کسانی که در این امر آلوده شده‌اند، باید توبه کنند؛ آن‌هم توبه نصوح، یعنی توبه‌ای کاملاً خالص و بدون تزلزل و سستی (مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۱۲، ص ۱۴۰) و بدون بازگشت. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۳۲) و آیه نهم بدین امر اشاره دارد که فضای به‌وجودآمده و توطئه‌های کفار و منافقان بعد از آن، به‌گونه‌ای است که نیاز به تلاش مجدانه پیامبر اکرم ﷺ و غلظت ایشان در برخورد با کافران و منافقان در راستای خنثی کردن توطئه‌های ایشان، دارد. این‌ها همه به این امر اشعار دارند که آن سرّ، امری حیاتی از امور اسلام و مسلمین است.

نکات فوق و اشارات برخی اخبار سبب نزول که البته گاه به‌شکل تحریف‌گونه آمده است و قبلاً بدان اشاره شد، برخی از محققان را به این نتیجه رسانده که آن سرّ چیزی نمی‌تواند باشد؛ جز امر خلافت پیامبر اکرم ﷺ و ادامه راه رسالت ایشان؛

از این رو توطئه بیان شده در سوره که با افشای سرّ توسط برخی همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آغاز شده و کفار و منافقان در پیشبرد آن دخیل شده‌اند، توطئه‌ای درباره مسئله خلافت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است. پس به همین سبب است که آیات شش تا هشت سوره، مؤمنان و اهلشان را برحذر می‌دارد که در این دام اسیر و در این توطئه به‌گونه‌ای شریک شوند؛ و گرفتاران در این توطئه را به توبه‌ای نصوح دعوت می‌کند. (نک: بلاغی، ۱۳۸۶ ش، ج ۷، ص ۴۲-۴۷؛ عسکری، ۱۳۹۰ ش، ص ۲۳-۳۴؛ میرباقری، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۸۶-۱۹۲)

نتیجه‌گیری

۱. با توجه به اضطراب متن و تعارض‌های اخبار سبب نزول سوره تحریم و مخالفت عمده آن‌ها با ظواهر و سیاق آیات سوره، به نظر می‌رسد این اخبار از سوی مخالفان، جعل یا تحریف شده‌اند. پنهان داشتن انگیزه‌ها و ابعاد توطئه مورد نظر در ماجرای سوره، می‌تواند داعی و انگیزه این جعل و تحریف به‌شمار رود.

۲. خطوط کلی سبب نزول سوره تحریم براساس دلایل طرح شده در تحقیق حاضر چنین است: دو تن از همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با افشای سرّی مهم از اسرار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله توطئه کرده و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را که از طرق غیبی از آن آگاه شده و در صدد طلاق ایشان برآمده، به تحریم طلاق خود وادار کرده‌اند. وحی الهی در سوره تحریم، ماجرا را برای امت اسلامی افشا و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به شکستن این تحریم، دعوت و با عتابی شدید، آن همسران را به توبه و ترک توطئه علیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله توصیه کرده است. این سوره از سوی دیگر، همه مؤمنان را از افتادن در این ورطه، برحذر و درخصوص خطای احتمالی گذشته خود در این مسیر، به توبه حقیقی توصیه کرده و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به جهاد غلیظ علیه کافران و منافقان مأمور کرده است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. صمغی است از درخت عُرْفُط که شیرین است، اما بوی بدی دارد. (زهری، بی تا، ج ۳، ص ۲۲۲)

۲. جعل کامل یعنی حدیث وجود خارجی نداشته و به طور کامل جعل شده است. جعل جزئی یعنی تغییر واژگان حدیث یا افزودن واژه‌هایی بر متن حدیث یا کاستن از آن و جعل مجموعی یعنی جعل چند حدیث در کنار یا به دنبال هم. (مسعودی، ۱۳۸۹ش، ص ۱۵۶-۱۶۱)

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۳. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۴. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، استانبول: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۰۱ق.
۵. بلاغی، سید عبد الحجت، حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر، قم: انتشارات حکمت، ۱۳۸۶ش.
۶. جوادی، عبدالله، تسنیم، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۱ش.
۷. ———، شمس‌الروحی تبریزی، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۸ش.
۸. حسینی فاطمی، سید علی، «نقد و بررسی دیدگاه‌های موجود درباره افشای راز پیامبر ﷺ در آیات ابتدایی سوره تحریم»، نشریه تاریخ در آینه پژوهش، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، شماره ۱۱، ۱۳۸۵ش، ص ۱۱۳-۱۳۰.
۹. خامه‌گر، محمد، و جواد سلمان‌زاده، «نقد و ارزیابی روایات شأن نزول سوره تحریم»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، شماره ۷۳، ص ۹۶-۱۲۳، ۱۳۹۲ش.
۱۰. سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۱۱. صدر، سید موسی، و حسن ربانی، «جعل و تحریف در روایات اسباب نزول»، مجله پژوهش‌های قرآنی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، شماره ۱، ۱۳۷۴ش، ص ۷۹-۱۰۶.
۱۲. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۱۳. ———، قرآن در اسلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳ش.
۱۴. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، تحقیق و تصحیح محمدباقر خراسان، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۷۲ش.
۱۶. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد قصیر عامل، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۸. طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ش.
۱۹. عاملی، جعفر مرتضی، حقایقی مهم پیرامون قرآن کریم، ترجمه سید حسن اسلامی، قم: دفتر

انتشارات اسلامی، ۱۳۷۱ش.

۲۰. عسکری، سید مرتضی، سقیفه، تهران: انتشارات علامه عسکری، ۱۳۹۰ش.
۲۱. ———، القرآن الکریم و روایات المدرستین، قم: انتشارات دانشگاه اصول دین، ۱۴۲۴ق.
۲۲. فخر رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۲۳. قرشی، سید علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ش.
۲۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، تحقیق سید طیب موسوی جزایر، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۷ش.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۲۷. مسعودی، عبدالهادی، وضع و نقد حدیث، تهران: سمت و دانشکده علوم حدیث، ۱۳۸۹ش.
۲۸. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.
۲۹. معرفت، محمدهادی، تفسیر اثری جامع، ترجمه جواد ایروانی، قم: انتشارات ذوی القربی، ۱۳۹۰ش.
۳۰. مفید، محمد بن محمد، المسائل العکبریه، تحقیق و تصحیح کنگره شیخ مفید، قم: بی نا، ۱۴۱۳ق.
۳۱. ملأحویش آل غازی، عبدالقادر، بیان المعانی، دمشق: مطبعة الترقی، ۱۳۸۲ق.
۳۲. میرباقری، سید محسن، ظاهر قرآن باطن قرآن، تهران: نشر محمد ﷺ، ۱۳۹۰ش.
۳۳. ناصحیان، علی اصغر، علوم قرآنی در مکتب اهل بیت (علیهم السلام)، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۹ش.
۳۴. نفیسی، شادی، علامه طباطبایی و حدیث، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴ش.
۳۵. نکونام، جعفر، درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن، چ ۲، تهران: نشر هستی نما، ۱۳۸۸ش.
۳۶. واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول الآیات، قاهره، مؤسسة الحلبي و شرکاه للنشر و التوزیع، ۱۳۸۸ق.